

بازتاب ارزش های اجتماعی در ساختار معماری خانه های تاریخی یزد در دوره ی قاجار از دیدگاه نحو فضا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸

کد مقاله: ۸۹۱۳۵

پانته آ بغدادی^{۱*}، فاطمه کاتب^۲

چکیده

خانه های تاریخی پیوند میان هنر معماری و فرهنگ در دوره های مختلف تاریخی هستند. معماران سنتی در تلاش برای انعکاس فرهنگ و ارزش های اجتماعی عصر خود به خلق فضاهای معماری پرداختند. در واقع فضاهای معماری به گونه ای طراحی و خلق می شدند تا فرهنگ و ارزش های اجتماعی را در خود نمایان کنند. تحول شرایط اجتماعی و اقتصادی دوره قاجار و ظهور تاجران و ثروتمندان سبب شد تا خانه هایی با غنای معماری ساخته شود که در کالبد خود اسرارهای کثیری از شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه را بازنمایی می کند. در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از نظریه نحو فضا، ساختار معماری خانه های تاریخی مورد بررسی قرار گیرند تا با تفکرات و عقاید در دوره ی قاجار آشنا شد و بتوان ارزش های اجتماعی را در خانه های تاریخی شهر یزد (خانه رسولیان، خانه لاری ها و خانه عرب ها) در دوره ی قاجاری مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان می دهند که در ساختار معماری خانه های تاریخی، فرهنگ و ارزش های اجتماعی در خلق فضاهای معماری نقش داشته اند، حریمیت و مبدل ساختن عرصه های عمومی و خصوصی (حریم)، توجه به اصل برابری با استفاده از تقارن در کالبد و نمای خانه، استفاده از عنصر آب بازنمای ارزش پاکی و تقدس، افزایش تعاملات اجتماعی و احترام به مهمان با اختصاص فضاهای جداگانه، جملگی بیانگر آن هستند که معماران سنتی سعی در انعکاس ارزش های اجتماعی در عصر قاجار در کالبد معماری خانه های تاریخی داشته اند.

واژگان کلیدی: ارزش های اجتماعی، فرهنگ، ساختار معماری، نحو فضا، خانه های تاریخی یزد

۱- دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول)

۲- دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء

۱- مقدمه

خانه‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین مکان برای زندگی انسان است که نیازهای مادی و معنوی انسان را تامین می‌کند. نحوه ارتباط فضاهای معماری و کالبد فضا بر شیوه زندگی و رفتار انسان اثرگذار است. از همین رو خانه‌ها از شاخص‌های کالبدی و عملکردی گوناگونی برخوردار هستند، بنابراین با تحلیل ساختار معماری می‌توان به ارتباط میان فضاهای معماری و ارتباط آن با پیچیدگی‌های روابط اجتماعی و فرهنگی در ساختار خانه‌ها پی برد (فتح بقالی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱). خانه اولین مکانی است که انسان در آن احساس تعلق فضایی را تجربه می‌کند. و تنها مکانی است که اولین تجربیات بشر هم در خلوت و هم در تعاملات با فضا شکل می‌گیرد (shahrozi, bemanian, 2018: 26). توجه به نحوه تعامل انسان با معماری خانه‌ها نیازمند شناخت فرهنگ و ضوابط اجتماعی است و لذا فرهنگی که در توالی نسل‌ها در بستر جامعه تشکیل شود و هر دو جنبه مادی و معنوی زندگی انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳). معماری متأثر از فرهنگ و ارزش‌ها و روابط اجتماعی مشترک رایج در یک جامعه است. فضای عمومی به عنوان ظرفی برای روابط اجتماعی در هر سطح و افراد جامعه و روابط اجتماعی به عنوان عناصر شکل دهنده آن مفروض هستند (کردونی و دودزاده غلامی، ۱۳۹۳). هر ارزش اجتماعی، محصول مجموعه‌ای از اطلاعات حقیقی هستند که از سلسله مراتبی از اعتقادات، تصورات ذهنی و تفکرات اجتماعی که فرد از فرهنگ جامعه در طول زندگی خود آموخته است سرچشمه می‌گیرد. بنابراین از آنجایی که یک اجتماع یکی از منابع تعیین کننده برای فرهنگ انسان هستند بنابراین ارزش‌های اجتماعی در چارچوبی مرجع تشکیل خواهند شد که موجب مقاومت ادراکی در برابر موارد ضد ارزش، همچون نا آشنا، نامأنوس، بی معنی شده و برای گزینش دیگر موارد خاص که ارزش‌های اجتماعی را دارا باشند. از این رو هر ساختمان در سیر زمان خود بر اساس عوامل فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه، موجب تفاوت فرد در ادراک محیط شده است، و این عوامل نشان دهنده آن است که باید در طراحی هر ساختمانی فرهنگ و ارزش‌های آن را شناخت، زیرا در هر جامعه‌ای الگوهای ذهنی که محرک نگاه ناظر باشد متفاوت با دیگر جوامع است (پاکزاد، ۱۳۹۳). خانه به عنوان پایگاه رفتاری خانواده، از لحاظ عملکردی و کالبدی، مکان شکل گیری رفتار، فرهنگ و اخلاق واحد اجتماع است. خانه محصول برهم کنش الگوهای رفتاری جاری، شیوه زندگی و الگوهای فضایی - کالبدی است (Quddah et al., 2014: 48). ارتباط هر واحد فضایی نحو فضا نامیده می‌شود که در یک مجموعه فضای همجوار، درست مانند بررسی یک واژه در داخل یک متن و ارتباط آن با دیگر واژه‌ها قرار دارد. اگر یک بنای معماری یک شیء مرکب از یک سیستم ارتباطات فضایی تلقی شود، نمود این سیستم ارتباطی در قالب یک طرح خواهد داشت. شناخت این طرح‌ها و الگوها به معنی شناخت روابط اجتماعی است که در داخل فضاها اتفاق می افتد. شناخت روابط اجتماعی در فضاها به معنی شناخت فعالیت‌های انسان در داخل فضاهاست. این فعالیت‌ها و روابط در فضا در درجه اول اهمیت دارند تا فرم یا شکل کلی فضا. در نهایت طراحان روش نحو فضا معتقدند که با کاربرد آن می‌توان روابط اجتماعی در بنا را به خوبی درک نمود و آن را تجزیه و تحلیل کرد (معماریان، ۱۳۸۱: ۷۷). با استفاده از روش نحو فضا می‌توان به منطق اجتماعی و فرهنگی جوامع در ساختار معماری فضاها پی برد. هدف هر بررسی تاریخی این است که گذشته آموزنده و شناخت آموزه‌های آن بسیار اساسی است و امروز و فردای هر جامعه در گذشته تاریخی آن پنهان شده است. مطالعه تاریخ نه تنها دارای ارزش فلسفی است، بلکه بررسی آن از جمله باعث کشف پیچیدگی‌ها و پوشیدگی‌های تفکر، جریان‌های اجتماعی و فرهنگی انسانها و تفکرات و اعمال و باورهایشان خواهد شد (احمدی، ۱۳۹۱). طراحی و ساخت یک خانه در هر دوره تاریخی یک پدیده فرهنگی بوده است، شکل خانه (فرم کالبدی و ارتباط فضایی عناصر آن)، شدیداً از محیط فرهنگی و اجتماعی که خانه به آن تعلق دارد، تأثیر می‌پذیرد. هدف این پژوهش بر این است تا با شناخت ارزش‌های اجتماعی، مقوله فرهنگ را در سطح کوچکتری مورد بررسی قرار دهد و چگونگی تاثیرگذاری آن را بر ارتباط فضاهای معماری بر کالبد خانه‌های تاریخی شهر یزد در عصر قاجاریه مورد بررسی قرار دهد. پژوهش حاضر در جستجوی پاسخ برای پرسش‌های زیر انجام پذیرفته است:

ارزش‌های اجتماعی در ساختار معماری خانه‌های تاریخی یزد اثرگذار بوده است؟
ساختار معماری خانه‌های تاریخی یزد در دوره قاجار متأثر از ارزش‌های اجتماعی بوده است؟

۲- پیشینه پژوهش

معروفی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان "تبیین عوامل کالبدی رفتار فضایی در خانه‌های سنتی شهر میبد" به بررسی عوامل مختلف در رفتار فضایی خانه‌های سنتی شهر میبد پرداخته است. در این پژوهش با استفاده از روش گراند تئوری و با استفاده از مصاحبه با متخصصین، عناصر و عوامل موثر بر رفتار فضایی خانه‌های سنتی با کدگذاری باز، محوری و انتخابی جمع-آوری شده است. یکی از نتایج این پژوهش نقش عوامل گوناگونی که در بعد کالبدی رفتار فضایی در شکل‌گیری خانه‌های سنتی شهر میبد اثرگذار بوده است اما ارتباط انسان با محیط بیشترین اثرگذاری و تصورات از محیط کمترین اثرگذاری را داشته است. جهت تحلیل متغیرهای حاصل شده سعی بر آن شده تا با تدوین پرسشنامه و ارائه آن به ساکنان با استفاده از نرم افزار SPSS

نتایج همبستگی محاسبه گردد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تصورات از محیط کماکان دارای کمترین فراوانی بوده و با عوامل دیگر نیز کمترین میزان همبستگی را دارد که این عوامل عبارتند از تمایلات اجتماعی، لایه‌های اجتماعی و فعالیت‌های انتخابی و عامل رابطه انسان با محیط نیز دارای بیشترین فراوانی و بیشترین همبستگی با عوامل فرهنگ، فعالیت‌های مستمر و سازگاری را دارد.

ترکمان و جلالی ثابت (۱۳۹۷)، در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی ارزش‌های اجتماعی موثر در ایجاد حریمیت فضا در معماری" به کشف و بررسی رابطه میان دو مقوله ارزش‌های اجتماعی و حریمیت فضا پرداخته است. در واقع حریمیت فضا به نوعی صیانت از زنان در بعد حریمیت است که به عنوان ارزشی اجتماعی تلقی شده است که یکی از اصول مهم در طراحی فضاهای معماری است. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی برای جمع‌آوری اطلاعات بهره‌گرفته شده است. داده‌های پرسشنامه از روش ضریب همبستگی پیرسون و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است. از نتایج این پژوهش می‌توان به جایگاه ویژه ارزش‌های اجتماعی در رضایمندی از فضای خانه پی برد که حریمیت فضا یکی از اصول ارزش‌های اجتماعی در خانه‌های ایرانی است.

حیدری و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان "تحلیل ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران با استفاده از روش نحو فضا مطالعه موردی: مقایسه خانه‌های یزد، کاشان و اصفهان" به بررسی، تحلیل و مقایسه تفاوت‌های فرهنگی و انعکاس آن در ساختار فضایی خانه‌های سنتی در این سه شهر پرداخته است. این پژوهش سعی دارد که با تجزیه و تحلیل پارامترهای عمق، اتصال، هم-پیوندی و دسترسی فیزیکی و بصری با استفاده از دو ابزار نمودارهای توجیهی و نرم افزار دپس‌مپ^۱ به تحلیل ساختار فضایی خانه‌ها بپردازد. در گام نخست ۹ خانه از سه شهر انتخاب شده و در دسته‌بندی‌های یک حیاط، دو حیاط و چند حیاط قرار گرفتند. در گام دوم نمودارهای توجیهی در ارتباط با هر نمونه انتخابی ترسیم شده است و در گام سوم با تحلیل گراف‌ها و بررسی‌های نرم افزاری نمونه انتخاب شده ساختار فضایی و الگوی طراحی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که به رغم استفاده از الگوی ثابت درون‌گرا در خانه‌های هر سه شهر، تفاوت‌های در نظام فضایی و الگوی چیدمان فضا در خانه‌ها به چشم می‌خورد. تفاوت در عمق فضایی بیشتر، نفوذپذیری کمتر و در عین حال تفکیک‌پذیری بیشتر بین فضای اندرونی و بیرونی در خانه‌های یزد به نسبت خانه‌های کاشان و اصفهان وجود دارد. یکی از موضوعاتی که مطرح شده تفاوت‌های سرچشمه گرفته از شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنان این سه شهر اهمیت در موضوع حریمیت و حفظ حریم خصوصی در خانه است.

راوری^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان "توسعه پیکربندی فضایی مسکونی به منظور حفظ حریم خصوصی بصری در خانه‌های ایرانی با استفاده از رویکرد نحو فضا" با هدف ارزیابی تحولات مورفولوژیکی و ویژگی‌های پیکربندی فضایی چیدمان‌های خانه‌های شهر کرمان پرداخته است. روش این پژوهش تحلیل نمودار پلان برای اندازه‌گیری ویژگی‌های نحوی هفت پلان معماری مسکونی توپولوژیکی در کرمان که از دهه ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ ساخته شده‌اند، استفاده شده است. این روش شامل توسعه اندازه‌گیری‌های ریاضی برای نشان دادن نفوذپذیری و شبیه‌سازی تجزیه و تحلیل نمودار دید برای نشان دادن مسیربایی است. نتایج نشان می‌دهند که چیدمان‌های مسکونی خانه‌های ایرانی در طول دهه‌های توسعه طراحی از دهه ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ کمتر یکپارچه شده است. کاهش ادغام فضایی با افزایش تفکیک و افزایش حریم خصوصی بصری مطابقت دارد. این مطالعه نشان می‌دهد که، حتی با وجود محدودیت در مقیاس خانه و کاهش تعداد گره‌ها، همانطور که در طراحی چیدمان مسکونی مدرن مشهود است، سطح کارآمد حریم خصوصی بصری با توجه به استانداردهای مورد نیاز هنوز قابل دستیابی است.

اردوغان^۳ (۲۰۱۸)، در مطالعات خود تحت عنوان "ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی چگونه بر معماری خانه ترکیه تأثیر می‌گذارند؟" رابطه میان ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و معماری مسکن بومی در کشور ترکیه و جستجوی پاسخ در مورد چگونگی تأثیر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی ترکی در خانواده، اعتقادات، ارزش‌ها و آیین‌های سنتی ترک بر ساختار معماری خانه است. رابطه میان شکل و فرم خانه و عوامل فرهنگی، اجتماعی را می‌توان از طریق یک مدل توضیح داد که در این مطالعات از مدلی استفاده شده است که از چهار قسمت تشکیل شده و انعطاف پذیر است. این ارتباط بین ساختار معماری انتخاب شده یا ابداع شده توسط یک فرهنگ، ارزش‌های معماری، هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. این مدل با مطالعه و بررسی در خانه سنتی ترک، با تمرکز بر چگونگی ارزش‌های اجتماعی مانند اعتقادات مذهبی یا رابطه زن و مرد، ساختار خانواده، خانواده در جامعه، حریم خصوصی خانواده، محله، میهمان‌نوازی و ارزش‌های اجتماعی در سنت ترکی-اسلامی به منظور چگونگی تأثیر آن در ساختار معماری آناتولی در ارتباط است.

1 Depthmap

2 Ravari

3 Erdoğan

۳- مبانی نظری

۳-۱- مفهوم فرهنگ

فرهنگ یک مفهوم گسترده‌است که شامل ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای موجود در جوامع بشری و همچنین دانش، باورها، هنرها، قوانین، آداب و رسوم، توانایی‌ها و عادات‌های افراد در این گروه‌ها می‌شود. فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به عنوان عضوی از جامعه خویش فرامی‌گیرد تعریف می‌کند هر منطقه از هر کشوری می‌تواند فرهنگ متفاوتی با دیگر مناطق آن کشور داشته باشد. فرهنگ از راه آموزش، به نسل بعدی منتقل می‌شود، در حالی که ژنتیک به وسیله وراثت منتقل می‌شود. همچنین فرهنگ راهکارهای شایع موجه در یک جامعه است برای رفع هرگونه نیاز واقعی یا غیر واقعی. فرهنگ همواره نرم‌افزار است و تمدن شامل آن و سخت‌افزارهاست؛ به طور مثال گفتگو به زبان فارسی یک راهکار است بر رفع نیاز رو در رو سخن گفتن و زبان چینی راهکاری دیگر برای مردمانی دیگر برای رفع همین نیاز است. فرهنگ، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان در یک جامعه است. فرهنگ، دربرگیرنده این موارد است:

- سازگاری کلی با نیازهای غریزی و فطری و اقتصادی یا محیط جغرافیایی پیرامون؛
- سازمان مشترکی که برای فرونشاندن نیازهای اجتماعی و سیاسی که از محیط پیرامون برخاسته‌اند، پیدا شده‌است؛ مجموعه مشترکی از اندیشه‌ها و دستاوردها.
- فرهنگ، شامل هنر، ادبیات، علم، آفرینش‌ها، فلسفه و دین است. هنجار فرهنگی رفتار قابل قبول یک جامعه را تعیین می‌کند؛ و به عنوان راهنمای نحوه رفتار، پوشش لباس، زبان، و حرکت در یک موقعیت خاص و همچنین انتظارات در یک گروه اجتماعی عمل می‌کند. تک فرهنگ گرایی در یک گروه اجتماعی می‌تواند ریسک‌هایی داشته باشد، درست همان‌طور که یک گونه حیوانی واحد می‌تواند در مقابل تغییرات محیطی از بین برود. (Tylor, 1871).

۳-۲- ابعاد فرهنگی

الف- بعد مادی فرهنگ: تمام اجزاء و عناصر فرهنگی جامعه که دارای جنبه های کمی، ملموس و قابلیت اندازه گیری و ارزیابی هستند، فرهنگ مادی آن جامعه را تشکیل داده است. کلیه مصنوعات و تولیدات فیزیکی انسانی در پوشاک، صنعت، کشاورزی، کارخانه، وسایل نقلیه، وسایل صوتی، تصویری و ارتباطی و به طور کلی تمام دستاوردهای فناورانه جامعه، تشکیل دهنده فرهنگ مادی آن جامعه یا اجتماع زیستی هستند (صداقتی فرد، ۱۳۸۸).

ب- بعد معنوی یا غیر مادی فرهنگ: افلاطون فرهنگ را فکر اجتماعی عنوان کرده است. در واقع، ادبیات (شعر، داستان و ...)، علم، فلسفه، ایدئولوژی، هنر، افکار و اعتقادات و باورها، ارزش‌ها، هنجارها، دین، سنن، ضرب المثل‌های آوازه‌ها، افسانه‌های ملی، مردمی و بومی، خرافه‌ها و حتی ناسازهای موجود در یک جامعه، فرهنگ غیر مادی آن جامعه را تشکیل می‌دهد. این عناصر، اجزای غیر مادی و ابداع‌های انتزاعی در فرهنگ را تشکیل می‌دهند. پس در نقطه‌ی مقابل فرهنگ مادی، تمام عناصر و اجزا یا پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی که جنبه کیفی داشته و غیرقابل اندازه‌گیری و لمس هستند را فرهنگ غیر مادی یک جامعه تلقی می‌کنند (صداقتی فرد، ۱۳۸۸).

۳-۳- مولفه‌های فرهنگی

یکی از متداول‌ترین نگرش‌ها به سمت فرهنگ، بررسی فرهنگ در قالب چهار لایه تودرتوی عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهاست که به مدل چهار لایه‌ای معروف شده است. (شارون، ۱۳۷۹).

الف- عقاید: صورت‌های ذهنی در مورد وجود (و موجودات هستند. آنها را می‌توان بر اساس منبع، روش دستیابی و وجود عدم وجود عنصر تعلق عاطفی - طبیعی دسته‌بندی شده است (شارون، ۱۳۷۹).

ب- ارزش‌ها: ارزش در لغت به معنای قدر و قیمت، اهمیت و اعتبار داشتن یک چیز است. ارزش‌ها، احساسات ریشه دار و عمیقی هستند که اعضای جامعه در آنها شریک‌اند و از این رو است که چگونگی اعمال و رفتار افراد جامعه را تعیین و تبیین نموده است (صداقتی فرد، ۱۳۸۸). واقعیه یا اتفاقی که مورد اعتنای جامعه قرار گرفته باشد، ارزش فرهنگی نامیده شده است. ارزش‌ها اندیشه‌هایی است درباره آنچه درست یا نادرست تلقی می‌شود. ارزش‌ها به طور ضمنی این مفهوم را می‌رساند که شیوه‌های خاصی از عمل باید انجام شود (قنادان و همکاران، ۱۳۸۶).

ج- هنجارها: هر نوع ضابطه رفتاری است که از نظر اجتماعی متضمن ارزشی مثبت است «هنجارهای اجتماعی، رفتارهای معینی هستند که بر اساس ارزش‌های اجتماعی قرار دارند و با رعایت کردن آنها جامعه انتظام پیدا می‌کند» (نیک گهر، ۱۳۶۹: ۲۸۳). به معنی رفتاری اجتماعی که در جامعه‌ای خاص، از هر فردی انتظار می‌رود تعریف می‌شود (فکوهی، ۱۳۹۸).

د- نمادها: نمادها عینی‌ترین مؤلفه فرهنگ هستند که بر اساس موضوع به نماد فرهنگی مثل زبان، نماد اجتماعی مثل نشانه‌های قومی، نماد سیاسی مثل پرچم تقسیم می‌شوند. نمادها از یک اجتماع دیگر و از زمانی به زمان دیگر ممکن است دچار تحول گردیده است (شارون، ۱۳۷۹).

۳-۴- ارزش‌های اجتماعی

در تعاریف ارزش‌های اجتماعی در نگاه صاحب‌نظران علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی دارای معانی و تعاریف متفاوتی است. و همین تفاوت در معنا موجب بروز اختلافاتی در نگرش به ارزش‌های اجتماعی شده است. در واقع ارزش‌های اجتماعی در دو بعد از سوی صاحب‌نظران علوم اجتماعی معنادار است، در یک بعد ابزاری و بعد غائی را دارا می‌باشد. فرهنگ‌های متفاوت جوامع، ارزش‌های اجتماعی مختلفی را در کشورها به وجود می‌آورند. امروزه به دلیل گسترش علوم و تکنولوژی و افزایش نقش فرهنگ‌های مختلف جوامع بشری در یکدیگر، پایه‌های مشترک فرهنگ جهانی در شرف تکوین می‌باشند. ارزش‌های اجتماعی هم جنبه مادی و اقتصادی دارند و هم جنبه معنوی؛ اما در جوامع شرقی بر ارزش‌های معنوی تأکید می‌گردد و در جوامع صنعتی غرب بر ارزش‌های مادی مانند ثروت، مقام و... در اسلام و جوامع اسلامی نظیر جامعه ایران، درحالی‌که جنبه‌های معنوی فرهنگ از اعتبار والایی برخوردارند، جنبه‌های مادی فرهنگ نیز ارزش خاص خود را دارند. در یک جامعه، درعین وجود عناصر مشترک فرهنگی، پاره‌فرهنگ‌هایی که به اقشار، گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلفی مربوط می‌شوند، نیز وجود دارد. در برخی از این پاره‌فرهنگ‌ها، ارزش‌های اجتماعی متفاوتی به چشم می‌خورد. گروهی به ارزش‌های اجتماعی نظیر شرافت، نجابت، حفظ آبرو و ... بهای زیادی می‌دهند و اقشاری نیز برای کسب ثروت و مقام به راحتی از ارزش‌های معنوی یاد شده می‌گذرند. در بررسی‌های تحلیلی ارزش‌های اجتماعی هر جامعه، باید هم به ماهیت این ارزش‌ها و اقشار و گروه‌های مختلف پرداخت و هم به چگونگی پراکندگی آن در گروه‌ها و طبقات اجتماعی گوناگون توجه نمود و با شناخت روابط ارزش‌های اجتماعی با ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به علل تغییرات و دگرگونی‌های ارزش‌های اجتماعی پی برد (گلایی، ۱۳۷۳: ۹۵).

آگ برن^۱ و نیم کوف^۲ معتقدند که: ارزش اجتماعی واقعه یا امری هستند که مورد اعتنا و توجه جامعه قرار دارند. ارزش‌های اجتماعی انگیزه گرایش‌های اجتماعی می‌شود و گرایش‌های اجتماعی تمایلات کلی هستند که در فرد به وجود آمده و ادراکات، عواطف و افعال او را در جهت‌های معینی به حکمت و می‌دارد (و ثوقی، ۱۳۸۶).

ارزش‌های اجتماعی به آن دسته از واقعیات و امور اطلاق می‌شود که نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه را برآورده کند (طیبی، ۱۳۶۸). ارزش‌های اجتماعی از جمله واقعیات اجتماعی غیر مادی تشکیل شده‌اند (ریترز، ۱۳۹۱). ارزش‌های اجتماعی یعنی اندیشه‌ها، هنجارها و اشیای مادی که متعاقب با اعمال متقابل اجتماعی، عقاید و ارزش‌های روانی مساعدی در پیرامون آنها جمع-آوری شده و متکی بر تجربیات مثبت و ارزنده هستند (محسنی، ۱۳۷۶). ارزش‌های اجتماعی که در رابطه با نهادهای اجتماعی و فرهنگ مفهوم و معنا پیدا می‌کند واقعیاتی هستند که هر یک از اعضا با آن‌ها مواجه شده و هر چیز که جامعه بر آن ارزش گذارد ارزش اجتماعی است و از این رو در مقابل ارزش فردی قرار داده می‌شود (محسنی، ۱۳۷۶).

در مورد ارزش‌های اجتماعی باید به سه ویژگی توجه داشت که عبارتند از:

- علاقمندی افراد جامعه به ارزش‌ها
- احترام به آن ارزش‌ها
- تلاش برای تحقق آن ارزش‌ها (ذو علم، ۱۳۷۹).

ارزش‌های اجتماعی از نوع استانداردهای فرهنگی هستند که اهداف کلی مطلوب برای زندگی اجتماعی سازمان یافته را مشخص می‌نمایند. ارزش‌های اجتماعی تدارک‌گر مفهوم پنهانی و مشروعیت انتظامات اجتماعی و رفتارها تلقی می‌شوند (محسنی، ۱۳۷۹).

افرادی که در یک جامعه خاص زندگی می‌کنند، تحت تاثیر ماهیت روابط متقابل اقتصادی و اجتماعی، نظام سیاسی و همین‌طور ارزش‌های فرهنگی که در حقیقت مترجم حقیقت حیات اجتماعی به صورت کوتاه و مختصر هستند، امور و کارهایی را برای خود مهم و با ارزش تلقی می‌کند و برای تامین و تحصیل آنها به کوشش و تلاش خواهد پرداخت. از این امور و کارهای با ارزش تحت عنوان ارزش‌های اجتماعی تعبیر می‌شود که جهت رفتارهای اعضا جامعه را در عمل مشخص می‌کند. (صانعی، ۱۳۷۷) ارزش‌های اجتماعی عبارت است از اهداف و مقاصد مطلوب و مورد نظر جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنیم. به دیگر سخن آنچه مورد نظر و مطلوب یک جامعه است و افراد برای دستیابی بدان سعی و تلاش می‌کنند. از نظر جامعه‌شناسی ارزش‌های اجتماعی به عوامل و ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که اکثریت یک جامعه به اهمیت و اعتبار آن واقف هستند. آنها به صورت واقعیات و اموری در آمده‌اند که نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه را برآورده می‌سازند. به بیان دیگر هر چیزی که برای یک نظام اجتماعی مورد نیاز، محترم، مقدس، خواستنی و مطلوب اطلاق شود جزء ارزش‌های آن جامعه هستند. درستکاری، احترام به حقوق دیگران، رعایت والدین، احترام به بزرگترها و مانند آن نمونه‌هایی از ارزش‌های اجتماعی هستند (شایان مهر، ۱۳۸۰). ارزش‌های اجتماعی مدل‌های کلی رفتار، احکام جمعی، هنجارهای کرداری که مورد پذیرش عمومیت و خواست جامعه قرار دارند را تشکیل می‌دهد. این موارد شامل تمامی انواع ارزشی می‌شوند که مردم با آن حیات اجتماعی خود را می‌گذرانند و اعضای یک جامعه در برابر آن به نوعی همبستگی و توافق رسیده‌اند. در معنای کوچک‌تر زمانی از ارزش‌های اجتماعی تحت عنوان ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی یا دینی

یاد می‌شود که یکپارچگی اجتماعی را تقویت می‌کند و به گسترش پیوندهای مبتنی بر همبستگی منجر خواهد شد. بدین سان عدالت، انسان دوستی، دیگر خواهی، مهربانی و ... جزء ارزشهای اجتماعی محسوب خواهند شد (بیرو^۱، ۱۳۸۰).

۵-۳- ساختار معماری خانه‌های تاریخی

در ساختار معماری خانه‌های ایرانی، اقلیم نقش مهمی در جهت‌گیری، سازماندهی فضایی، فرم، نوع سازه، مصالح و عناصر و اجزای معماری خانه داشته است (زینلیان و اخوت، ۱۳۹۶: ۱۷). در طراحی و ساخت سکونتگاه‌ها، عمدتاً شرایط اقلیمی (آب و هوایی) و سازگاری آن با نوع فعالیت‌های انسان مورد توجه بوده است. احساس انسان نسبت به محیط اطرافش را نمی‌توان تنها از طریق بررسی یکی از عناصر اقلیمی مانند درجه حرارت، رطوبت نسبی یا جریان هوا بیان کرد، زیرا ترکیب این عناصر بر انسان اثر گذار است و با آسایش فیزیکی او ارتباط مستقیم دارد (کسمائی، ۱۳۸۵: ۱۵). ساختار کالبدی خانه‌های تاریخی، بیانگر طراحی هوشمندانه آن‌ها در جهت منافع انسان و محیط زیست را انعکاس می‌دهد و معماران این واحدهای بومی در هر زمان و مکان سعی نموده‌اند تا از طریق ایجاد ارتباطی دوستانه میان محیط زیست، فرهنگ و فرم معماری، فضاهای زندگی را در مسیر انسانی شدن سوق دهند (Basiago, 1999: 146). خانه‌های تاریخی در ایران، خانه‌هایی درون گرا و حیاط محور هستند که اغلب در اطراف معابر فرعی یعنی کوی‌ها و کوچه‌ها و گذرها و بن‌بست‌ها ساخته شده‌اند. به طور کلی چه خانه عوام و چه خانه اشراف به سبک سنتی و مطابق با اصول بنیادین معماری ایرانی طراحی و ساخته می‌شدند. نمای این خانه‌ها معمولاً خشتی با آجری بود و روی دیوارهای بلند و ساده آنها، هیچ روزن یا پنجره‌ای خودنمایی نمی‌کرد (قریب، ۱۳۷۴: ۲۰۶). در خانه‌های تاریخی ایرانی هر فضا تعریف مشخصی دارد که این تعریف مشخص در چگونگی حضور آدمی در آن تأثیر کیفی می‌گذارد. فضای تعریف شده چگونگی رابطه‌ی آدمی با سازمان فضایی را مشخص می‌کند. انسان در این فضا احساسی مشخص و معلومی دارد و با اطمینان در آن حرکت و فعالیت می‌کند و نسبت به موضع خود و توقف، مسیرهای عبور، در، پنجره، دیوار و سقف از آگاهی برخوردار است. قلمروها و حریم‌های عمومی و خصوصی، تعداد و شدت فعالیت‌های امنیت ذهنی و آسایش بدنی، امکان تامین خلوت و انزوا، برقراری ارتباط با سایرین و موضوعاتی از این دست در گرو تعریف داشتن هر فضای معماری در خانه‌های سنتی است (حائری، ۱۳۸۸). تداوم و سلسله مراتب در خانواده، ساختار خانواده، حریم در خانواده، اهمیت مهمان، چگونگی زندگی جمعی، درون‌گرایی و خانه‌های درون‌گرا از دیگر مواردی است که در شکل‌گیری فضاهای خانه ایرانی اهمیت داشته‌اند (عبدالله زاده و ارژمند، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

۴- روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی است. گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی انجام پذیرفته است. در راستای موضوع پژوهش نخست به ساختار معماری خانه‌های تاریخی عصر قاجاریه در شهر یزد پرداخته شده است و سپس با شناسایی ارزش‌های اجتماعی موثر در آن دوران به تطبیق این ارزش‌ها با الگوی فضایی در ساختار معماری خانه‌های تاریخی پرداخته می‌شود. نظریه نحو فضا به دلیل پی‌بردن به ارتباط میان ارزش‌ها و روابط اجتماعی و ساختار فضایی مانند حریم‌ها، درجه بندی فضاها از جهت عمومی و خصوصی بودن و همچنین سلسله مراتب فضایی از نظر حریمیت مورد استفاده قرار گرفته است. معماران در اعصار گذشته در هر بنا و یا ساختمانی که مورد طراحی و ساخت قرار می‌گرفت در تلاش بوده‌اند که ارتباطات فضایی میان عناصر و اجزای معماری را به گونه‌ای شکل دهند که نگرش‌های اجتماعی را نمایان کند. فلسفه نحو فضا به گونه‌ای است که فقط به ساختار فضایی و ارتباطات اجتماعی آن توجه می‌کند و شاخص‌های فرم، کالبد و اقلیم نقشی در تجزیه و تحلیل فضاها نخواهد داشت.

۵- محدوده مورد مطالعه

واژه یزد در لغت به معنای مقدس و پاک است و وجه تسمیه آن نشان دهنده تقدس و شهرت داشتن به معنای شهر خداست. شهر یزد به لحاظ نوع مصالح به کار گرفته شده در بناهای آن به اولین شهر خشتی و دومین شهر تاریخی در جهان شهرت یافته است. در اوایل حکومت قاجار، شهر یزد از نظر اقتصادی و جمعیت جز شهرهای مهم ایران بوده است. در آن زمان شهر یزد همانند شهرهای کاشان، تبریز، اصفهان و همدان از لحاظ اقتصادی و فرهنگی بر تهران برتری داشته است. در دوره قاجار به ناگزیر یزد، با رشد گسترده در مقیاس شهر مواجه شد که این بار نه به واسطه حکام و پادشاهان بلکه به دلیل سرعت روز افزون تجارت و باز شدن درهای شرقی و جنوب شرقی بر روی یزدیان و ارتباط با هندوستان بود که شهر دارای ثروت عظیمی شد و بخش‌های بسیار زیادی از قسمت‌های جنوبی، جنوب غربی به آن اضافه گردید. در این دوران بود که بسیاری از تجار شروع به ساخت خانه نموده‌اند که واجد ارزش تاریخی هستند. به علت ازدیاد خانه‌های تاریخی در شهر یزد ناگزیر سعی شد تا سه خانه رسولیان، لاری‌ها و عرب که واجد ارزش تاریخی هستند در این پژوهش به صورت اجمالی معرفی شده و مورد تحلیل قرار گیرند.

۵-۱- خانه رسولیان یزد

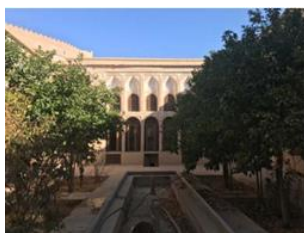
خانه تاریخی رسولیان یزد در سال ۱۲۸۳ شمسی و در دوران حکومت قاجار توسط استاد معمار محمد حسن محمد رحیم ساخته شده است. خانه رسولیان توسط سه نسل تجار یزدی اداره شده است اما در سال ۱۳۶۹ شمسی خانه صرف امور آموزشی و فرهنگی توسط بازماندگان وقف شد تا دانشکده معماری و هنر یزد در آن فعالیت داشته باشد (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹). سبک معماری اصفهان در این بنا براساس تقسیم‌بندی استاد پیرنیا مورد استفاده قرار گرفته است. حیاط اصلی خانه دارای فضاهای یک طبقه احاطه شده است ولی در جبهه جنوب غربی آن ارتفاع بیشتری دارد که در حدود دوطبقه است ولی سه جبهه هم ارتفاع دیگر که معادل یک طبقه است. ویژگی بارز نماها در خانه رسولیان وجود تقارن است (عواطفی نژاد و همکاران، ۱۳۹۲). فضاهای خانه در دو بخش اندرونی و بیرونی تقسیم بندی شده است در واقع ساختار فضایی خانه شامل نمای بیرونی، ورودی خانه، هشتی، دالان ورودی، حیاط است. حیاط اندرون شامل بخش خصوصی خانه است که دارای اتاق‌های سه دری، پنج دری، ارسی، تالار، کلاه فرنگی و بادگیر را شامل شده است (شکل ۱).

۵-۲- خانه لاری‌ها

خانه لاری‌ها در همسایگی خانه رسولیان قرار دارد و هم اکنون در مجموعه در مجموعه هنر و معماری دانشگاه یزد قرار گرفته است. این خانه تاریخی از بناهای ارزشمند اواخر دوره صفوی و اوایل دوره قاجار ساخته شده است. همچون خانه رسولیان نیز این خانه برای یکی از تجار متول یزد ساخته شده است و یکی از زیباترین بناهای این محله محسوب می‌شود و دارای تزیینات گچبری بسیار فاخر و ارزشمند است. خانه لاری‌ها در دو طبقه ساخته شده است: یکی همکف و دیگری زیر زمین که مقابل فضاهای آن گودال باغچه‌ای فاخر طراحی شده است. این خانه دارای دو قسمت تابستان نشین و زمستان نشین است. اتاق شکم دریده یکی در طبقه همکف و یکی در زیرزمین و طنبی‌های اطراف آن و پنج دری و سه دری‌های مجاورش واقع در زیرزمین از فضاهای تابستان نشین خانه را تشکیل داده‌اند. اتاق‌های سه دری در جبهه شمال شرقی یکی در همکف و یکی در زیرزمین قرار گرفته است که در قسمت زمستان نشین خانه می‌باشد (شکل ۲).

۵-۳- خانه عرب‌ها

خانه عرب‌ها با قدمتی بیش از ۱۳۰ سال توسط حاجی میرزا احمد عرب و در عصر قاجار در دو مجموعه خانه ساخته شده است که یک خانه بزرگ و یک خانه کوچک را تشکیل داده‌اند. حیاط خانه عرب‌زاده یزد کشیدگی جنوبی-شمالی دارد و در میان آن، یک حوض بزرگ خودنمایی می‌کند. تالار بزرگ و کال‌بندی‌های چوبی بالای درهای مجاور به حیاط، نشان از زیبایی و توازن در ساختار معماری بنا دارد. در دو طرف تالار تابستانی خانه، دو گوشواره با دو در قرار دارد و در راهروی ورودی تالار هم تعدادی اتاق پنج‌دری و سه‌دری ساخته شده که درهای اتاق‌های پنج‌دری، چوبی و مشبک و مزین به شیشه‌های رنگی زیبا هستند. اتاق بالاخانه عمارت، به استفاده مهمانان اختصاص داشته است. در گوشه خانه، مطبخی بزرگ با یک اجاق تعبیه شده و زیرزمین خانه هم در زیر اتاق‌های پنج‌دری قرار گرفته است که بر زیبایی و گستردگی عمارت تاریخی عرب‌زاده افزوده است. هم اکنون از خانه تاریخی عرب‌ها به عنوان موزه مورد استفاده قرار می‌گیرد (شکل ۳)



شکل ۳: خانه عرب‌ها
(ماخذ: سایت آزاد اینترنتی)



شکل ۲: خانه لاری‌ها
(ماخذ: سایت آزاد اینترنتی)



شکل ۱: خانه رسولیان
(ماخذ: بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹)

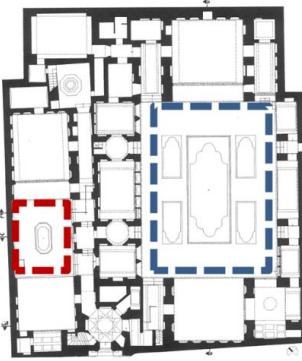
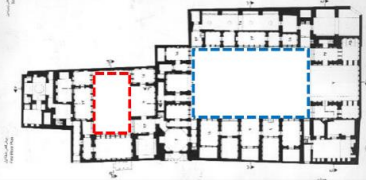
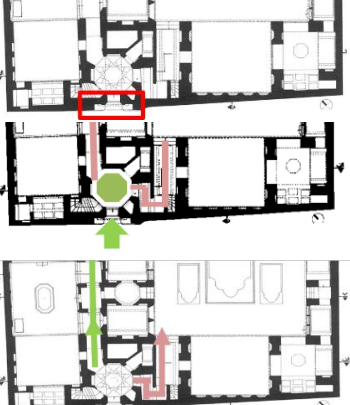
۶- بحث و تحلیل یافته‌ها

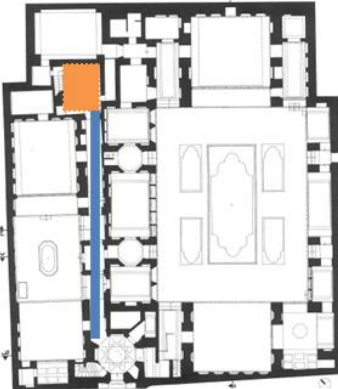
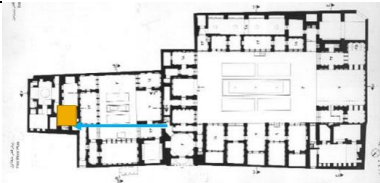
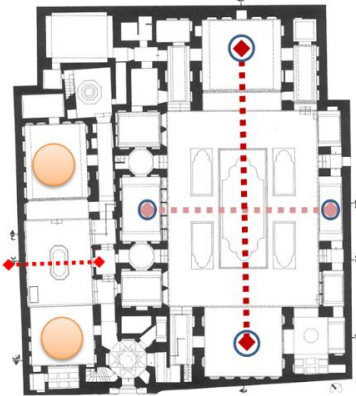
۶-۱- تحلیل

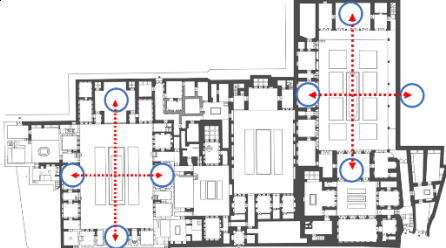
در عصر قاجار مهاجرت از روستا به شهر فزونی داشته است و به همین علت معماری عصر قاجار تحت تاثیر ساخت و ساز خانه‌های مسکونی به علت افزایش جمعیت شهرنشین بوده است. در این دوره به علت پیشرفت در علوم و فنون و ارتباط با اروپا و غرب، دگرگونی نسبی در وضعیت اجتماعی و اقتصادی را در پی داشته است هر چند ایران عصر قاجار از پیشرفت در صنایع و علوم مهندسی عاجز ماند. غرب بواسطه پیشرفت نظامی توانست مستعمرات خود را در شرق افزایش دهد و ایران را به عنوان گذرگاهی

بدل کند این امر موجب شد تا ارتباطات گسترده با اروپا و غرب حاصل شود و ایران به عنوان پلی در میان شرق و غرب قرار گیرد، به همین جهت بسیاری از تجار ایرانی توانستند از اروپا دیدن کرده و تحت تاثیر معماری غرب و بناهای باشکوه آن‌ها قرار گیرند، به همین سبب طبقه تجار جامعه دست به ساخت بناهای فاخر و ارزشمند برای کسب جایگاه، شان و منزلت در میان عوام زدند. معماری خانه‌های تاریخی متأثر از رعایت اصول اخلاقی و موازین اسلامی بوده است که خود حکایت از غالب بودن سبک معماری ایرانی دارد. در جامعه عصر قاجار رعایت آداب و اصولی اسلامی واجد ارزش‌های اخلاقی بوده و نشان‌دهنده پایبندی به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی ایرانی- اسلامی بوده است. گرچه ساختار معماری خانه‌های تاریخی عصر قاجار در سیر زمان خود دستخوش تغییرات در ارتباطات فضایی به علت ارتباط جامعه ایرانی و غرب (حضور اروپاییان، بازگشت محصلین از اروپا، سفرهای تجار و روحانیون به غرب) سبب تاثیرپذیری فرهنگ ایرانی از فرهنگ غربی شد که موجب تغییراتی در ساختار معماری سنتی خانه‌های تاریخی شده است. فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی در عصر قاجار بسیار متأثر از آموزه‌های دین مبین اسلام بوده است. ارزش‌های اجتماعی همچون توجه به حریمیت، احترام، تعاون و همکاری، عدالت و... که در ساختار معماری خانه‌های تاریخی یزد رعایت شده است. با استفاده از نظریه نحو فضا ارتباط میان سلسله مراتب فضایی و چگونگی ارتباط میان فضاها با رعایت اصول یاد شده در ساختار معماری سه خانه تاریخی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

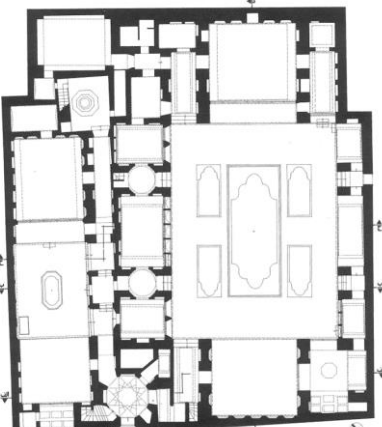
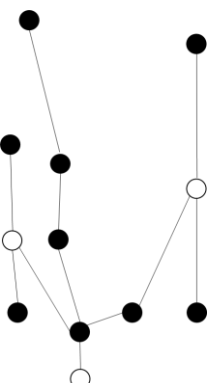
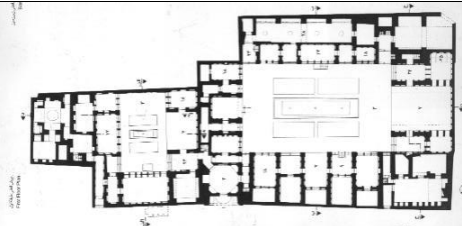
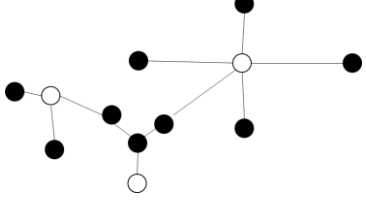
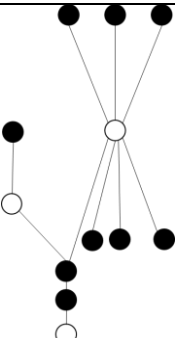
جدول ۱: ارتباط ارزش‌های اجتماعی و فضاهای معماری خانه‌های تاریخی شهر یزد (ماخذ: نگارنده)

خانه	پلان	ساختار معماری	بازتاب ارزش‌های اجتماعی
رسولیان		وجود دو حیاط مرکزی	تفکیک سازی فضاهای باز در خانه نشان از رعایت حریمیت، برای جداسازی مهمان از اعضای خانواده و عدالت به جهت برخورداری اعضای خانواده و مهمان از فضای باز
لاری‌ها			
عرب			
رسولیان		تعبیه دو فضای پیش-خان در ورودی جبهه شمالی هشتی به عنوان پیش فضای ورود به خانه تفکیک فضا در دالان ورودی با پیچش زیاد	رعایت احترام به عنوان یک ارزش برای ورود مهمان فضای پیش خوان به عنوان دعوت کننده نیز تعبیر می-شود. عدم امکان دید به فضای داخلی پاسخگویی به حریمیت

			لاری‌ها
			عرب
			رسولیان
	تفکیک فضای در دو بخش جبهه غربی و شرقی (بخش اندرونی و بیرونی) به وسیله دالانی صورت گرفته است که در انتها به بخش مطبخ ختم می‌شود (سیرکولاسیون در فضای اندرونی)		لاری‌ها
	طراحی به وسیله اصل تقارن در بنا ارزش مساوات و برابری را منعکس می‌کند.		رسولیان
	اصل تقارن در ساختار معماری خانه نشان از تسلط اندیشه مرکزگرایی دارد.		لاری‌ها

			عرب
--	--	--	-----

جدول ۲: بررسی فضاهای معماری خانه‌های تاریخی از نظر نحو فضا (ماخذ: نگارنده)

خانه	پلان	نمودار توجیهی
رسولیان		
لاری‌ها		
عرب‌ها		

از نظر رویکرد نحو فضا ارتباطات میان فضاهای معماری تداعی کننده روابط اجتماعی هستند و روابط اجتماعی نیز بازگو کننده فرهنگ جامعه و ارزش نهادن به آداب و رسوم است. در نظریه نحو فضا دایره‌های توخالی نمایی برای فضاهای باز هستند که معمولاً ورودی خانه و حیاط را شامل می‌شود. دایره‌های توپر هم فضاهای بسته خانه را نمایش می‌دهد و خطوط هم اتصال میان فضاها را به نمایش می‌گذارد حال با حاصل ضرب تعداد دایره‌ها در خطوط میزان عمق هر فضا بدست می‌آید که هرچه این عدد بیشتر باشد یعنی آن فضا در دسترس کمتری قرار دارد و از نظر محرمیت ارزش والایی دارد به طور مثال در جدول ۲ در قسمت اول خانه رسولیان مطبخ با چهار فضا و سه خط ارتباط دارد که عمق با نمره ۱۲ را به خود اختصاص می‌دهد که از میزان محرمیت بالاتری نسبت به اتاق‌های اندرونی با عمق ۶ را دارد. در خانه‌های تاریخی که با رویکرد نحو فضا مورد بررسی قرار گرفتند به وضوح مشاهده شد که فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی تا چه حد در طراحی فضاها نقش دارند و ارتباطات میان فضاها وابسته به ارزش حجاب و مصون بودن حریم‌های خصوصی اعضای خانه است.

عوامل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی که تاثیر مستقیم بر طراحی فضاهای معماری در خانه‌های تاریخی داشته است. تقسیم بندی فضاهای اندرونی و بیرونی در داخل خانه را می‌توان از این تاثیر دانست، عوامل امنیتی ارتباط با فضای بین درون و بیرون خانه نقش مهمی در ایجاد حس امنیت داشته است.

چگونگی تحقق این امکان برای سازمان فضایی خانه‌های تاریخی در گرو خلق فضای بینامتنی (حریم) است. حریم‌ها تمهیدات معماری که در حداقل فضاها بکار گرفته می‌شدند. دیوارها بازنمای این مفهوم در معماری خانه ایرانی است که جدایی یک فضا از فضای دیگر را تامین می‌کند. استقرار درها و پنجره‌ها در درون دیوارها به نحوی است که براساس جایگاه فضا در سازمان فضایی خانه امکان ترکیب یک فضا با فضای همجوارش از یک یا تمام جبهه‌های فضا را فراهم می‌سازد. علاوه بر عنصر معماری دیوار جلوه فضایی نیز یافته و دو گونه فضاهای ارتباطی راهروها و همچنین فضاهای پوشیده نقش فضاهای بینابینی را دارند. شیوه زندگی در دوران گذشته ضرورت پیوستن این فضاها به یکدیگر را ایجاب می‌کند، این دو گونه فضا خود بعنوان فضایی قابل استفاده و به عنوان بسط فضایی در فضایی که در میان قرار دارد، ایفای نقش می‌کند و به توان فضاها می‌افزاید. که از سه بعد طول، عرض و ارتفاع قابل انجام است. بسط فضایی خود حاوی بسط چشم اندازی و بسط نوری نیز هست. نور و چشم انداز فضاها را منبسط می‌کند و چگونگی استفاده از منابع نوری و چشم اندازی کیفیت فضایی را دگرگون می‌کند. بسط فضایی و چشم انداز از توانایی این ترکیب فضایی است (حاتری، ۱۳۸۸: ۱۰۳-۱۰۴).

پیکربندی فضایی در ساختار معماری خانه‌های تاریخی به نحوی انجام گرفته است تا در آن محرمیت به عنوان ارزش اجتماعی رعایت گردد. در واقع داشتن حریم خصوصی و عمومی در فضاهای معماری خانه‌های تاریخی کاملاً مشهود است نیاز به وجود حریم از ساختار فرهنگی اجتماعی جامعه نشأت دارد، معصوم بودن فضاهای اندرونی از دید مهمانان و تفکیک فضاهای اندرونی و بیرونی به اعضای خانواده حس امنیت و آرامش را القا می‌کند که یکی از نتایج این تفکیک حس آزادی در خانه است. دیوارهای جداکننده دو بخش اندرونی و درونی نیز موجب شده‌اند تا مشرفیت به حداقل برسد.

رعایت اصل تقارن پلان خانه‌های تاریخی بازتابی از برابری، مساوات و عدالت است که یکی از ارکان دین اسلام به شمار می‌رود که یک ارزش اجتماعی محسوب شده و همگان به آن پایبند هستند. اصل تقارن در نمای خانه‌های تاریخی نیز مورد استفاده قرار گرفته است تا آنچه در نمای اتاق‌های سه دری و پنج دری که مختص مهمانان بوده و القاکننده حس برابری میان میزبان و مهمان را بازگو می‌کند. تا حس آرامش و امنیت را حاصل کند یکی از ارزش‌های اجتماعی که در فرهنگ جامعه ایرانی به آن بسیار تاکید شده است، احترام و تکریم مهمان است که در ساختار معماری هم تلاش شده است که احترام را در قالب سلسله مراتب فضاهای معماری دنبال کند به نحوی که چیدمان فضاها به شکلی ساخته شده‌اند تا میزبان، مهمان را تا اتاق‌های پذیرایی همراهی کند تا حس صمیمیت و دوستی میان مهمان و میزبان ایجاد کند.



شکل ۴: اصل تقارن در خانه رسولیان یزد

شکل ۵: اصل تقارن در خانه لاری‌ها

شکل ۶: اصل تقارن در خانه عرب

سازماندهی فضا در معماری ایرانی بر اساس عنصر حیاط شکل گرفته است، که در آن طبیعت جز لاینفک این عنصر فضایی است (شیری آذر و همکاران، ۱۳۹۲). حیاط در خانه‌های تاریخی فضای جمع و پخش کننده بوده است که همواره با تزیینات عنصر آب همواره بوده که در معماری سنتی ایران جایگاهی ویژه داشته است و خانه‌های تاریخی یزد نیز از این مهم بی‌بهره نبوده‌اند. توجه به آب با ساخت حوض‌های در حیاط اندرونی و بیرونی نشان دادن اهمیت به اصل پاکی است که یکی از ارزش‌های اجتماعی به شمار می‌آید.

۷- نتیجه‌گیری

عصر قاجار دوران تغییرات شرایط اجتماعی و اقتصادی به دلیل ارتباط با اروپا بوده است. این تغییرات موجب شد تا در شهر یزد تغییراتی در طبقات اجتماعی جامعه پدید آید که منجر به ظهور تاجران و ثروتمندان شد و آنان نیز اقدام به ساخت وسازها خانه نمودند. معماران سنتی خانه‌های تاریخی سعی داشتند تا به‌دور از تقلید از فرهنگ غربی گرچه در سیر زمان در عصر قاجار گرایش به فرهنگ غرب فزونی یافت، از سبک‌های ایرانی- اسلامی در آثار معماری خود بهره ببرند. اشتیاق سبک‌های معماری ایرانی و

پایبندی آن به اصول و ارزش‌های اجتماعی موجب شد تا ارتباطات فضاهای معماری خانه‌های تاریخی متأثر از فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی شود که در کالبد معماری خانه بازتاب یابد. نتایج بررسی‌های با استفاده از تئوری نحو فضا در این پژوهش حاکی از آن است که خانه‌های تاریخی بیشتر بر محرمیت فضایی تأکید داشته و ارزش‌های اجتماعی دیگر در نیز در مراتب پایین تر قرار گرفتند. توجه به محرمیت فضا موجب شد تا عرصه‌های خصوصی و عمومی پدیدار شوند و حتی تعبیه دسترسی‌ها جداگانه به این عرصه‌ها در نظر گرفته شوند. در ساختار معماری خانه‌های تاریخی یزد توجه به ارزش‌های اجتماعی همچون احترام، برابری، عدالت، پاکی و... به نحوی انعکاس داشته است که بیشتر جنبه بصری را به خود اختصاص داده است در واقع معماری سنتی سعی دارد بازنمایی از فرهنگ، باور، اعتقادات و ارزش‌های جامعه عصر خود را به نمایش بگذارد که در این امر موفق نیز بوده است.

منابع

۱. احمدی، فرهاد (۱۳۹۱). فصل و وصل در معماری سنتی ایران، فصلنامه کیمیای هنر، سال اول، شماره ۳، صص ۱۳۵-۱۳۱.
۲. بمانیان، محمدرضا؛ غلامی رستم، نسیم؛ رحمت، پناه جنت (۱۳۸۹). عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه های ایرانی نمونه موردی خانه رسولیان یزد، مطالعات هنر اسلامی.
۳. بیرو، آلن (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ چهارم.
۴. پاکزاد، جهان‌شاه؛ بزرگ، حمیده (۱۳۹۳). القای روانشناسی محیط برای طراحان، تهران: انتشارات آرمانشهر.
۵. ترکمان، احمد و جلالی ثابت، حدیث (۱۳۹۷). بررسی ارزش های اجتماعی موثر در ایجاد محرمیت فضا در معماری، کنفرانس بین المللی عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران، تهران.
۶. حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت، چاپ اول تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۷. حیدری، علی اکبر؛ قاسمیان اصل، عیسی و کیایی، مریم (۱۳۹۶). تحلیل ساختار فضایی خانه های سنتی ایران با استفاده از روش نحو فضا مطالعه موردی: مقایسه خانه های یزد، کاشان و اصفهان. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۳۳-۲۱.
۸. خاکپور، مژگان؛ انصاری، مجتبی؛ شیخ، مهدی و طاووسی، محمود (۱۳۹۴). ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مسکن بومی، مسکن و روستا، شماره ۱۴۹.
۹. ذو علم، علی (۱۳۷۹). انقلاب و ارزش‌ها، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۱۰. ریتز، جورج (۱۳۹۱). نظریه جامعه شناختی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی، چاپ هفدهم.
۱۱. زینلیان، نفیسه و اخوت، هانیه (۱۳۹۶). ساختار شناسی حیاط در خانه‌های قجری اقلیم گرم و خشک و گرم و مرطوب با تمرکز بر گونه حیاط مرکزی: مطالعه موردی خانه‌های یزد و دزفول، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال ۸، شماره ۳۰، صص ۲۹-۱۵.
۱۲. شارون، جونل (۱۳۷۹). ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
۱۳. شایان مهر، علیرضا (۱۳۸۰)، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول، جلد سوم.
۱۴. شیرازی، لیلیا؛ سید ستاری، رعنا؛ ستارزاده، داریوش و بلیان اصل، لیدا (۱۳۹۲). معماری پایدار و الگوهای توسعه آن در معماری خانه‌های تبریز در دوره قاجار، همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری، کرج: مرکز آموزش علمی کاربردی شهرداری کرج.
۱۵. صانعی، پرویز (۱۳۷۷). جامعه شناسی ارزش‌ها، تهران: انتشارات جار، چاپ اول.
۱۶. صدقاتی‌فرد، مجتبی (۱۳۸۸). جامعه شناسی (کلیات، مفاهیم، پیشینه)، نشر ارسباران.
۱۷. عبدالله‌زاده، سیده مهسا و ارژمند، محمود (۱۳۹۱). در جست‌وجوی ویژگی های خانه ایرانی (بر مبنای بررسی شیوه زندگی در خانه های سنتی شیراز). مطالعات شهر ایرانی اسلامی.
۱۸. عواطفی نژاد، مریم؛ قهرمان ایزدی، ندا و آیت اللهی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۲). بررسی چگونگی انعطاف پذیری کالبد خانه های سنتی یزد با شرایط اقلیمی و ارائه الگوهایی در جهت بهبود وضعیت فعلی آن ها نمونه موردی: خانه رسولیان یزد، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد.
۱۹. فتح بقالی، عاطفه؛ مقصودی تیلکی، محمدجواد؛ هدایتی مرزبالی، معصومه (۱۴۰۰). بازتاب ساختار اجتماعی در پیکره بندی فضایی مسکن با تأکید بر تئوری نحو فضا (مطالعه موردی: خانه های سنتی و معاصر بافت فرهنگی تاریخی تبریز). جغرافیا و مطالعات محیطی.
۲۰. فکوهی، ناصر (۱۳۹۸). انسان شناسی شهری، نشر نی، چاپ سیزدهم.

۲۱. قریب، فریدون (۱۳۷۴). معابر تهران در دوره قاجاریه، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم.
۲۲. قتادان، منصور؛ مطیع، ناهید و ستوده، عنایت‌الله (۱۳۸۶). جامعه شناسی مفاهیم کلیدی، نشر آوای نو.
۲۳. کردونی، مهدی و داودزاده غلامی، مصطفی (۱۳۹۳). نقش رویکرد فرهنگی و اجتماعی در معماری فضاهای عمومی و پایداری اجتماعی، اولین همایش ملی افق‌های نوین در توانمندسازی و توسعه پایدار معماری، عمران، گردشگری، انرژی و محیط زیست شهری و روستایی، همدان.
۲۴. کسمایی، مرتضی (۱۳۸۵). اقلیم و معماری، اصفهان: نشر خاک.
۲۵. گلابی، سیاوش (۱۳۷۳). اصول و مبانی جامعه‌شناسی، تهران، فردوس و مجید، چاپ سوم، ص ۹۵.
۲۶. محسنی، منوچهر (۱۳۷۶). جامعه شناسی عمومی، تهران: انتشارات طهوری، چاپ پانزدهم.
۲۷. محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی در سطح نهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۸. معروفی، حسام؛ بمانیان، محمدرضا و یگانه، منصور (۱۴۰۰). تبیین عوامل کالبدی رفتار فضایی در خانه‌های سنتی شهر میبد، مطالعات محیطی هفت حصار، سال ۱۰، شماره ۳۵، صص ۳۱-۴۶.
۲۹. معماریان، غلامحسین (۱۳۸۱). نحو فضای معماری، مجله صفا، دوره ۱۲، شماره ۴.
۳۰. نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹). مبانی جامعه‌شناسی و معرفی تحقیقات کلاسیک جامعه‌شناختی، تهران: نشر رایزن، چاپ دوم، ص ۲۸۳.
۳۱. وثوقی، منصور و نیک خلق، علی‌اکبر (۱۳۸۶). مبانی جامعه‌شناسی، نشر بهینه، چاپ هجدهم.
32. Basiago, A. D. (1998). Economic, social, and environmental sustainability in development theory and urban planning practice. *Environmentalist*, 19(2), 145-161.
33. Erdoğan, N. (2018). How Do Social Values and Norms Affect Architecture of the Turkish House?. In *Socialization-A Multidimensional Perspective*. IntechOpen.
34. Quddah, R. M., Octavio O. X., & Natalya V. L. (2014). Environmentally friendly corrosion inhibitors. *Developments in corrosion protection*, 431-465.
35. Ravari, F. K., Hassan, A. S., Nasir, M. H. A., & Taheri, M. M. (2022). The development of residential spatial configuration for visual privacy in Iranian dwellings, a space syntax approach. *International Journal of Building Pathology and Adaptation*.
36. Shahbazi, M., Bemanian, M. R., & Lotfi, A. (2018). A Comparative Analysis of Spatial Configuration in Designing Residential Houses Using Space Syntax Method (Case Studies: Houses of Isfahan and Modern Architecture Styles). *International Journal of Applied Arts Studies (IJAPAS)*, 3(1).

